

دیرالین عبید

2584

۷۰۰

۱۵

۲۹۲

قلب قرآن

(تفسیر سورۃ یس)



شہید محراب

آیۃ اللہ سید عبدالحکیم بن تغیب رحمۃ اللہ علیہ

دفتر نشر اسلام

www.ketab.ir

سرشناسه: دستغیب، سید عبدالحمین، ۱۲۹۲ - ۱۳۶۰.

عنوان و نام پدیدآور: قلب قرآن: تفسیر سوره یس / عبدالحمین دستغیب.

وضعیت ویراست: [ویراست ۲].

مشخصات نشر: قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری: ۲۹۲ ص.

۹۷۸-۹۶۴-۴۷۰-۲۰۵-۱

ISBN 978 - 964 - 470 - 205 - 1

شابک:

وضعیت فهرست نویسی: فایا.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۷۸ - ۲۸۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: تفاسیر (سوره یس).

شناسه ورود: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

رده بندی کنگره: ۸۱۳۸۷ ق ۵ / د ۶۸۲ / ۱۰۲ BP

رده بندی یونسکو: ۲۹۱ / ۱۷

شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۸۲۱۱

قلب قرآن

- مؤلف: شهید مرتضیٰ مطهری
- موضوع: معارف قرآن (تفسیر سوره یس)
- قطع: رقعی
- نوبت چاپ: پانزدهم
- چاپ و نشر: دفتر انتشارات اسلامی
- تعداد مجلدات: یک جلد
- تعداد صفحات: ۲۹۲
- تاریخ انتشار: زمستان ۱۳۹۷
- شمارگان: ۷۰۰
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۷۰-۲۰۵-۱
- قیمت: ۲۱۰۰۰ تومان
- نشانی اینترنتی: WWW.EN-ESLAMI.IR info@En-Eslami.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار

قال: «بِكَأَنَّ سُورَةَ قُلُوبِ قُلُوبِ الْقُرْآنِ يَسُ» (۱).

در روایت سریعی که همه مفسرین از کتابهای معتبر اخبار نقل نموده‌اند، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «برای هر چیزی قلبی است و قلب قرآن سوره یس است».

وقتی مجموعه اجزای بدن را به عنوان یک واحد مورد نظر قرار دهیم، مرکز آن «قلب» است که از آن مرکز، مملکت بدن اداره می‌گردد، با تبیین آن، بدن زنده و به حیات خودش ادامه می‌دهد و با از کار افتادن آن، بدن هم مرده است.

سوره یس؛ قلب قرآن

تشبیهی که در این روایت مشهور شده و سوره یس به عنوان قلب قرآن نامیده شده است، اهمّیت این سوره مبارک را می‌رساند، هر چند همه قرآن معجزه و وحی الهی است؛ اما سوره یس از مزیت‌های بیشتری

۱ - تفسیر برهان: ۴ / ۲ / ح ۱.

برخوردار است که با مراجعه به روایات وارده در فضیلت این سوره و خواندن و التزام به آن، به خوبی واضح می‌گردد. دو نکته برای این تشبیه به نظر می‌رسد که به طور اجمال ذکر می‌شود.

محمد ﷺ؛ قلب عالم وجود

برای مسلمانان بدیهی است که افضل مخلوقات، بشر است که خداوند به او عقل عنایت فرموده و استعداد خداشناسی و یکتاپرستی داده است. ناآفریدگار خود و همگان را به یکتایی بشناسد و جز او را نپرستد^(۱) و مطابق نص قرآن مجید؛ آفرینش دستگاه خلقت نیز مقدمه برای این منظور است که می‌فرماید: «برای شما همه آنچه در زمین است آفرید». (۲) آن دین مقدسی که اساس آن بر معارف استوار است و میزان قرب را در معرفت حق می‌داند، «اسلام» است که آورنده‌اش خود، نخستین عارف به خدا و اولین بنده در مدارج معرفت و بندگی است. قرآن که بر قلب مقدسش فرود آمده^(۳) بر این حقیقت گواه است.

با این مقدمه می‌توان به خوبی باور کرد که قلب عالم وجود، محمد ﷺ است؛ چرا که خداوند فرمود:

«لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ» (۴).

۱ - «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» ذاریات: ۵۶.

۲ - «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا...» بقره: ۲۹.

۳ - «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ * بِلِسَانٍ

عَرَبِيٍّ مُبِينٍ» شعراء: ۱۹۳ - ۱۹۵.

۴ - بحار الأنوار: ۱۶ / ۴۰۶ / ح ۱۵.

«ای پیامبر! اگر به خاطر تو نبود، افلاک را نمی آفریدم».

پس همه موجودات به طفیل محمد ﷺ موجود گردیدند، پس سید انبیا محمد ﷺ است.

بنابراین، سوره‌ای هم که ویژه محمد ﷺ باشد نسبت به همه قرآن، قلب قرآن می‌گردد، همان طوری که خود محمد ﷺ قلب عالم وجود است، از همان نخستین آیه، خداوند متعال سید انبیا محمد ﷺ را مخاطب قرار داد و به قرآن حکیم سوگند می‌خورد که او از فرستادگان به حق خداست.

پس از آیتان چند، خداوند صریحاً می‌فرماید همه اشیاء را در پیشوای آشکار کنندگان داریم و ضبط نمودیم. از سعه روح محمد ﷺ خبر می‌دهد که همه عوالم وجود در او پیچیده و جاداده شده است، مرکز و قلب عالم، محمد ﷺ است.

مطالب قرآن در سوره یس

دومین نکته که به نظر می‌رسد این است که سوره یس مطالب اصلی قرآن مجید را به طور سر بسته در بردارد؛ اساس قرآن بر معرفت مبدأ و معاد است و لازمه خداشناسی، معرفت پیغمبران خداست. دنبال این هدفها، مجادله و مبارزه با کفار و مشرکین، استدلال بر درست بودن راه خداپرستان و باطل بودن دیگران و بالأخره داستان بهشت و بهشتیان و نعمتهایی که در آنند و دوزخ و دوزخیان و رنجهایی که در آنند با یک نظر اجمالی به این حقیقت می‌رسیم که مطالب اصلی قرآن که مربوط به مبدأ و معاد و دعوت به آن است در این سوره جا دارد، بقیه امور فرع

۶..... قلب قرآن

است؛ لذا قلب قرآن آیات خداشناسی است که مبدأ و معاد خداست و سوره یس آن را داراست، اینک شرح مطلب.

استدلال بر یکتاپرستی

﴿وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾. (۱) در این سوره

شریف از قول مؤمن آل یس یاد می دهد که چرا باید یکتاپرست بود؛ چرا باید آن خدای تنهائی است که به سوی او نیز بازگشت همگان است. مبدأ یکی و معاد هم یکی است، پس چرا برای غیر او سر تعظیم فرود آوریم؛ کسی که او ما را از نیستی پدید آورده و همه جور نعمت عنایت فرموده است.

خوراکیهای گوناگون؛ نشانه های خدا

﴿وَمَا آيَةٌ لَهُمْ الْأَرْضُ الْمَيِّتَةُ أَخْرِجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ

* وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجْرْنَا فِيهَا مِنَ الْأَعْيُونِ * لِيَأْكُلُوا

مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ﴾. (۲)

«از نشانه های خدا برای خداشناسان، زنده کردن زمین مرده است که از آن دانه را بیرون می آورد و خوراک جنبندگان را فراهم می آورد، بوستانهای خرما و انگور و جویهای روان پدید می آورد تا از میوه های طبیعی و نتیجه آن که سرکه و شیر و سایر خوراکیهای حلال است، بهره ببرند و آفریدگار خود و آن نعمتها را بستانند و سپاسگزار باشند».

آفرینش جفتها و روز و شب

«سُبْحَنَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ» * وَآيَةٌ لَهُمْ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلَمُونَ * وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ * وَالْقَمَرَ قَدَرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ * لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ» (۱).

پاک است از هر عیب و نقصی آن خداوندی که همه جفتها را از رویدنیهای زمین و از پدر و مادر (نر و ماده یا هیولا و صورت یا وجود و ماهیت) آفرید و از آنچه در مردمان پنهان است، با توجه به وضع آفرینش جفتها پی به آفریدگار آنها می‌رسد که از هر عیب و نقصی مبرا است و هر حسنی که سزاوار است، داراست.

از جمله نشانه‌های حق، روز و شب و طلوع و غروب خورشید و ماهتاب است، شب را آرام و وسیله استراحت و آرامش گردانید و روز را روشن و از پس شب و مناسب با فعالیت و دنبال روزی رفتن قرار داد؛ خورشید را چون سایر ستارگان به دنبال قرارگاهش روان ساخته تا با منظومه‌اش به سوی ستاره و گاه در فضای بی‌کران روان باشد و ما را با نظم معینی از هلال تا بدر و از بدر تا محاق دگرگون ساخته تا نظام مشخص و معینی تا حساب ماه قمری و حتی از طرز طلوع و غروب، وقت شب معلوم باشد: «... لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ ...» (۲).

و همچنین از جمله: «وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ» به آیه دیگری اشاره

می فرماید که شب و روز مسخر اراده خداوند است، هیچ کدام بر دیگری نمی تواند پیشی بگیرد مگر همان طوری که خداوند مقدر فرموده به نظام معینی شب در روز و روز در شب در آید. اول بهار و پاییز شب و روز یکسان و بعد به تدریج از اول بهار تا اول تابستان، روزها بلند و شبها کوتاه گردد و سپس به تدریج از درازی روز کم شده به شب افزوده می گردد تا اول پاییز که شب و روز برای دومین بار یکسان می گردد و سپس روز کوتاه و شب بلند شده تا شب یلدا و اول زمستان، آنگاه روز بلند و شب کوتاه می شود تا آخر زمستان و اول بهار که این جریان تکرار می گردد. این نظم معین که در اثر حرکت شمال به جنوب و جنوب به شمال زمین است، راستی نشانه برتری بر علم و قدرت و حکمت آفریدگار است.

کشتی و وسیله سواری، نشانه های خداوند

﴿وَأَيُّ آيَةٍ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفَلَكِ الْمَشْهُونِ * وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ * وَإِنْ نَشَاءُ نُغْرِقُهُمْ فَلَا صَاحِبَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنقَدُونَ * إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ﴾ (۱)

از نشانه های خدای متعال، کشتیهایند که مسافران را بر روی آب می گذرانند، چگونه طبیعت چوب یا فلز را ساخته که بتواند بر آب غلبه کند و چگونه به بشر هوش و استعداد درک خواص اجسام را عنایت فرموده که بتواند اجسام را با هم ترکیب کند و کشتی را بر آب و ماشین را بر زمین و هواپیما را در فضا، تا برسد به موشک میان کرات بسازد؟:

﴿وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ﴾.

و ضمناً برای این که بفهمند کار کن خداست نه غیر خدا، گاهی اراده می فرماید کشتی غرق شود و هواپیما سقوط کند تا بفهمند که فریاد رسی جز خدا نیست؛ همان خدایی که کشتی و هواپیما و ماشین را به حرکت در آورد، همان خدا تواناست اسباب را از کار بیندازد و جز رحمت خدا نگهداری از هلاک نیست تا وقت مقرر و اجل مقدر برسد: ﴿وَمَتَّعْنَا إِلَىٰ حِينٍ﴾.

حیوانات نشانه‌های برای انسانها

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَمًا فَهُمْ لَهَا مَلَائِكَةٌ * وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ * وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ﴾. (۱)

نشانه دیگر خداوند برای یکتا شناسان و یکتا پرستان، آفریدن چهارپایان است که در اختیار بشر قرار داد؛ آنها را داد و ستد کرده از گوشتشان می خورند و از شیرشان می نوشند و برای سواری و کشت و زرع و مسافرت، استفاده می کنند. نکته جالب ﴿وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ﴾ در اختیار گذاردن آنان برای بشر است. حیوانی که زورش به مراتب از بشر بیشتر است، چگونه برایش رام شده که این طور از او بار می کشد و در عین حال سرکشی نمی کند، آیا براستی چنین خدایی را نباید سپاسگزار بود؟!

معاد، بخش دوم از عقاید اسلامی

بخش دوم مطالب اساسی و اصولی قرآن مجید، مربوط به «معاد»

.....۱۰ قلب قرآن

است که در این سوره شریف تذکر داده شده و برای آن استدلالها گردیده است از آن جمله: زنده کردن زمین مرده که برای آفریدگار استدلال کرد، برای معاد نیز استدلال می شود. به تعبیر دیگر، زمین مرده را زنده کردن، نشانه زنده کننده و همچنین توانا بودن بر زنده کردن است.

استدلال جالب دیگر برای قیامت، آیات آخر این سوره شریف است:

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظْمَ وَهِيَ رَمِيمٌ * قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ * الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا إِذْ تَأَذَّاتُمْ مِّنْهُ تَوْقِدُونَ * أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَدِيرٍ عَلِيمٌ * أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ الْإِنسَانَ مِن عَلَقٍ * إِنَّهَا أَمْرُهُ إِذْ أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ. (۱)

داستان آن مشرکی را نقل می فرماید که استخوان پوسیده را پیش خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله بهم سایید و گفت: «کی آن را زنده می کند و حال آن که پوسیده و ریسیده شده است.»

می فرماید: «برای ما مثل می زند که این استخوان پوسیده، چگونه دوباره زنده می شود در حالی که آفرینش خودش را از یاد برده است. بگو همان کس که در نخست او را آفرید، هم او، زنده اش می کند و او به هر آفرینشی بسیار آگاه است، همان کسی که برای شما از درخت سبزه آتش قرارداد و از آن آتش برمی افروزید، آیا کسی که آسمانها و زمین را آفرید، بر آفرینش آنها توانا نیست؟ در حالی که بسیار آفریننده و بسیار داناست. آری، دستورش بدون درنگ اجرا شده و با فرمان باش، به هر چیزی که خواست می باشد.»

همان طوری که ملاحظه می فرمایید با یک استدلال محسوس و قابل فهم برای عموم از آفرینش نخستین انسان و ایجاد آتش از درخت سبز و همچنین آفرینش آسمانها و زمین، برای برپا شدن رستاخیز، دلیل می آورد به قسمی که قابل ایراد و اشکال نیست.

برپایی قیامت، بهشت و دوزخ

﴿وَقَوْلُونَ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَلْوَعْدُ إِذْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ * فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ * وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ * قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ مَرَدَّنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ * إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ * فَالْيَوْمَ لَا تُظَلِّمُ نَفْسٌ سِيئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ * إِنَّ أَصْحَابَ الْأَجْنَةِ الْيَوْمَ فِي شِعْلِ فَنَكِهِنَّ * هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظُلُلٍ عَلَىٰ الْأَرَآئِكِ مُتَكِبُونَ﴾ (۱)

همچنین در این سوره شریف از مقدمه برپایی قیامت و نشخه احیا سخن فرموده در نعمت بودن بهشتیان و معذب بودن دوزخیان را یاد آور می شود، می فرماید: «می گویند کی آن وعده می رسد (قیامت) اگر راستگویانید، انتظار نمی برند مگر یک فریادی را که ایشان را می گیرد در حالی که با یکدیگر در کشمکش هستند پس توانایی سفارش کردن و برگشتن به سوی خانواده هایشان را ندارند، در صور دمیده شده، پس

آنگاه از گورها به سوی پروردگارشان می‌شتابند. گویند: وای بر ما! چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟ این است آنچه خدای بخشنده به ما وعده فرموده بود (همان وعده‌ای که آن را دروغ می‌پنداشتند و باور نمی‌کردند) و پیغمبران راست گفتند. نیست جز یک فریاد، پس ایشان همگی نزد ما آماده شدگانند. پس امروز به هیچ کس ستمی نشده و جز آنچه می‌کنند، پاداش داده نمی‌شوند.

بهشتیان در آن روز در شادی سرگرمند، با همسرانشان بر سریرها تکیه می‌زنند، برایشان میوه‌ها و آنچه بخواهند موجود است، سلام گفتنی از سوی پروردگار مهربان (درود خدا بر بهشتیان است).

ای گنهکاران! امروز باید جدا شوید، آیا با شما پیمان نبستم که شیطان را نپرستید؛ زیرا او دشمن آشکار شماست ...»

همچنین درباره بهشت برزخی در ضمن داستان حبیب نجار (مؤمن آل یس) سخن فرموده است.

فرجام خوش حبیب نجار

در داستان «حبیب نجار» و گفتگوش با کفار و مخالفین پیغمبران، استدلال‌هایی بر حقایق انبیا و بی‌نظری و توقع پاداش نداشتن ایشان را ذکر می‌فرماید و درسی از مقاومت می‌آموزد که در دعوت حق و طرفداری از داعیان الهی تا پای جان چگونه پایمردی نمود تا این که جان از کالبدش جدا شد و به بهشت برزخی وارد شد، از همان جا آرزو کرد ای کاش! قوم من می‌دانستند چگونه خدایم مرا آمرزید و از گرامی شدگان قرار داد:

﴿قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَلَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ * بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ﴾ (۱)

عقوبتی هم که به منکرین انبیا پس از اتمام حجّت الهی می‌رسد، یادآور می‌شود: «إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَمِدُونَ» (۲) که چگونه با صیحه‌ای همه را مرگ فرا رسید و خسرال دنیا و الآخرة شدند؛ درس عبرتی نیز برای منکرین حق می‌باشد.

بنابراین، در این فقره از آیات شریف، ارزش جهاد تا مرز شهادت و محرومیت منکرین حق و تلافیهای خداوند به هر دو دسته یادآوری شده است.

امامت؛ منصب والای الهی

همان‌طور که گذشت، این سوره شریف، عمده مطالب قرآن مجید را به‌طور سربسته داراست. از مطالب مهم قرآن، «اهمیت» است. امام معصوم نماینده خدا و اسم اعظم تکوینی اوست که جامع همه استیلاست و صفات جمالی و جلالی حق را داراست، در یک آیه شریفه، احاطه علی و قدرتی امام را که مظهر و نمودار احاطه علم و قدرت خداست را بیان فرموده ﴿إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَرَهُمْ وَكُلٌّ لِّنَا فِي الْآخِرَةِ﴾ (۳)

«به درستی که ما مردگان را زنده می‌کنیم و آنچه از پیش فرستادند و آثارشان که پس از آنهاست، همه را یادداشت می‌کنیم و همه چیز را در

کتاب آشکار کننده‌ای ضبط و ثبت نمودیم».

امام را در بردارنده همه دانشها و نگهدارنده همه اشیاء و به تمام معنا نماینده خدا معرفی می‌فرماید: روح شریفش به همه عوالم محیط و همه اشیاء و تربیت کننده موجودات یعنی مظهر اسم رب می‌داند؛ چنان که در تفسیر آیه: ﴿... وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا...﴾ (۱) رسیده که زمین به نور پروردگارش منور و زنده است، امام به عنوان رب الارض معرفی شده است. در راستای فهم ولایت و محقق شدن به نور آن که اساس ایمان است، نعمتی است فوق همه نعمتها و در این آیه با جمله مختصری: ﴿... كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ نَّبِيِّنَ﴾ (۲) این واقعیت ولایت را بیان فرموده است.

ملکوت هر چیزی به دست قدرت خداست

﴿فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾. (۳)

«پس پاک و منزّه است خداوندی که به دست اوست باطن هر چیزی و به سوی او بازگردانده می‌شوید».

در ابتدای سخن گفتیم که این سوره شریفه عدّه معارف راجع به مبدأ و معاد را در بردارد، اینک گوییم خلاصه مطالب این سوره نیز در آخرین آیه آن گنجانیده شده است.

ملکوت در اصطلاح، عالم مقابل ملک است، به تعبیر دیگر، عالم امر است که مقابل عالم خلق ذکر می‌شود و هر دو هم ملک خداست. (۴)

۳ - یس: ۸۳.

۲ - یس: ۱۲.

۱ - زمر: ۶۹.

۴ - ﴿... أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ...﴾ اعراف: ۵۴.

هر چیزی در عالم دارای نفس و امر یا ملکوت است. بدون ملکوت، ملک پیدا نمی‌شود و به تعبیر دیگر، عالم «خلق» بدون «امر» نمی‌شود. در قصیده معروف میرفندرسکی آمده است:

چرخ با این اختران نغز و خوش و زیباستی

صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی

به حقیقتی که در علم معقول و فلسفه الهی ثابت است، اشاره می‌کند که هر چیزی را ملکوتی است، همان طوری که عالم خلق همه از خدا پیدا شده، عالم مرئی مال خداست و اداره عالم امر نیز مانند عالم خلق، به ید قدرت و کفایت حضرت احدیت است.

در مورد جنبنده‌ها قرآن مجید می‌فرماید: «نیست جنبنده‌ای مگر این که خداوند پیشانی او را گرفته است (یعنی اداره امورش را عهده‌دار و بر او تسلط دارد)»^(۱).

بازگشت همه به سوی اوست

﴿إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾؛ «و به سوی او بازگشت می‌نمایند»

انسان رو به تکامل است و غرض از آمدن در این دنیا، تحمّل زندگی همراه با رنج و زحمت، برای تحصیل کمال است. کسانی که استعداد خودشان را تباه نکردند، هنگام مرگ که لقای خدا و رحمت اوست^(۲) خدا آنان را کامل می‌فرماید^(۳). برخی دیگر کمبودهایشان در

۱ - ﴿... مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا...﴾ هود: ۵۶.

۲ - ﴿مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ...﴾ عنكبوت: ۵.

۳ - ﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا...﴾ زمر: ۴۲.

مواقف برزخ و بعضی در قیامت جبران می شود. بالأخره سیرت انسانی اگر خراب نشده باشد، در پایان دنیا، یا برزخ، یا قیامت به کمال مطلوب خواهد رسید، مگر افرادی که کافر یا مشرک مرده باشند که سیرت انسانی خود را خراب کرده، حیوانی بلکه بدتر از حیوان شده باشند. (۱)

قلب قرآن بهترین نام برای این کتاب

با ملاحظه آنچه گذشت، حق می دهید و تصدیق می فرمایید که بهترین و مناسب ترین نام برای این کتاب - که تفسیر سوره یس است - به پیروی از فرمایش معصوم علیه السلام همان «قلب قرآن» می باشد.

تفسیر این سوره شریف به سبک ساده و بیان قابل فهم عمومی که از نعمتهای الهی است و شامل حال حضرت آیه الله آقای حاج سید عبدالحسین دستغیب - رحمه الله علیه - شده و طبق مرسوم، ایشان همراه با بیان حقایق با ذکر مثال و داستان برای تأیید و شاهد مطلب، تنوع جالبی در بحث پیش می آورند که برای شنونده با خواننده از هرگونه کسالت جلوگیری کرده، او را به معارف دینش آشناتر می سازد.

این بحثها در ماه مبارک رمضان، سالهای گذشته و شاید سال ۹۳ یا ۹۴ ایراد و قسمت باقیمانده آن در ماه رمضان ۹۹ بیان گردید و سپس از روی نوار، ثبت و خلاصه گردید.

شیراز - سید محمد هاشم دستغیب

۱ - ﴿إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ...﴾ انفال: ۵۵.
- ﴿... أُولَئِكَ كَالْأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ...﴾ اعراف: ۱۷۹.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۳	■ پیشگفتار
۳	* سورة یس؛ قلب قرآن
۴	* محمد ﷺ؛ قلب عالم وجود
۵	* مطالب قرآن در سورة یس
۶	* استدلال بر یکتا پرستی
۶	* خوراکیهای گوناگون؛ نشانه‌های خدا
۷	* آفرینش جفتها و روز و شب
۸	* کشتی و وسیله سواری، نشانه‌های خداوند
۹	* حیوانات، نشانه‌هایی برای انسانها
۹	* معاد، بخش دوم از عقاید اسلامی
۱۱	* برپایی قیامت، بهشت و دوزخ
۱۲	* فرجام خوش حبیب نجار
۱۳	* امامت، منصب والای الهی
۱۴	* ملکوت هر چیزی به دست قدرت خداست

۲۸۳ فهرست مطالب
۱۵ * بازگشت همه به سوی اوست
۱۶ * قلب قرآن بهترین نام برای این کتاب
۱۷ ■ جلسهٔ اوّل: سخنی چند پیرامون سورهٔ یس
۱۷ * یس یعنی ای سید پیغمبران
۱۸ * قرآن، حاکم به حق، استوار و حکمت آموز
۲۰ * سوگند برای تأکید مطلب حق
۲۱ * مسخره بردن سوگند به مقدّسات مشرکین
۲۳ ■ جلسهٔ دوم: نامهای پیامبر اسلام ﷺ در قرآن مجید
۲۴ * به غمزه مسألهٔ آموز صد مرتبه شد
۲۵ * معجزهٔ همیشگی برای آیین خاورانه
۲۶ * صراط مستقیم در دنیا و آخرت
۲۷ * یکتا پرستی، راه نزدیک شدن به خداوند
۲۸ * گناه، سقوط از صراط بندگی است
۲۹ * چه غم دیوار امت را که باشد چون تو پشتیبان
۳۰ * حضرت علی <small>علیه السلام</small> تقسیم کنندهٔ بهشت و دوزخ
۳۳ ■ جلسهٔ سوّم: خداوند و عزّت مطلق
۳۴ * پیامبر و ترساندن مردم به وسیلهٔ قرآن
۳۵ * مؤّده دادن و ترساندن، برنامهٔ پیغمبران
۳۷ * کثرت اسباب ترس و قلّت انسان ترسناک
۳۸ * به لرزه افتادن عتبه از قرآن
۴۰ * میزان برای مسلمانان
۴۲ ■ جلسهٔ چهارم: شناساندن راهها و ملکوت به پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>

- ۴۳ * جهنمی بودن مشرکین مکه
- ۴۳ * غلها برگردن و سر از پس و پیش
- ۴۴ * توجیه سه گانه در آیه
- ۴۵ * کور و کر شدن انسان توسط آمال و شهوات
- ۴۵ * جاری شدن آب برای فرعون
- ۴۶ * هیچ کس محروم از این درگاه نیست
- ۴۸ ■ جلسه نهم: غلهایی برگردن انسان
- ۵۰ * شانزدهمین مرتبه ایمان
- ۵۱ * پندی آوزنده
- ۵۳ ■ جلسه ششم: حجاب و بر رخ بودن دنیا و شهود بودن آخرت
- ۵۴ * ترس حضرت یوسف علیه السلام از خداوند در پنهانی
- ۵۵ * نوشیدن از کوثر هنگام مرگ
- ۵۶ * معاد، مژده‌ای برای نیکان و تهدیدی برای بدان
- ۵۷ * لزوم باقی نهادن اولاد صالح و خیرات ماندگار
- ۵۸ * وقف در آمد معدن نمک برای عزای امام حسین علیه السلام
- ۵۹ * ساعات عمر انسان پس از مرگ
- ۶۰ ■ جلسه هفتم: مجادله و بهانه جویی با پیغمبران علیهم السلام
- ۶۱ * سخنی جالب از بوعلی سینا پیرامون نیاز بشر به پیامبر
- ۶۳ * بیهوشی دباغ در بازار عطر فروشان!
- ۶۵ * سه نعمت بهشت، برتر از خود بهشت
- ۶۷ ■ جلسه هشتم: فال بد، به فال زننده می‌رسد
- ۶۸ * پیامبر صلی الله علیه و آله و فال نیک زدن

- فهرست مطالب ۲۸۵
- * به قتل رساندن طرفداران پیامبران علیهم السلام ۷۰
- * پیشی گیرندگان در ایمان ۷۱
- * لزوم پیروی کردن از انسان دانا، بی طمع و راستگو ۷۲
- * پیامبران علیهم السلام و تبلیغ رایگان ۷۲
- جلسه نهم: حکم عقل به عدم پیروی کردن از جاهل ۷۴
- * شیادان اصلاح طلب! ۷۵
- * شغل و درآمد حضرت داوود علیه السلام ۷۶
- * نکاتی جالب از زندگی حضرت محمد صلی الله علیه و آله ۷۷
- * خانه پیغمبر صلی الله علیه و آله و رد امانت هنگام مرگ ۷۸
- * شرط مرجعیت نزد تشیع ۷۹
- * ابن زیاد و فریب دادن مردم ۷۹
- جلسه دهم: خداوند، سزاوار پرستش ۸۱
- * بازگشت همه به سوی اوست ۸۲
- * وجوب پرهیز از پرستش بتها ۸۲
- * سپردن دختران به خداوند ۸۳
- * شهادت حبیب نجار با شکنجه ۸۴
- * مطلوب بودن گواه گرفتن بر ایمان ۸۵
- * داستانی شگفت از گواهی بر ایمان ۸۷
- * مرگهای نکبت بار و ناگهانی در عصر حاضر ۸۸
- جلسه یازدهم: فرجام خوش حبیب نجار ۸۹
- * مرثه بهشت به حبیب نجار ۹۰
- * آرزوی حبیب نجار ۹۱

- ۹۱ * آن‌که مردن پیش چشمش تهلکه است
- ۹۲ * فراهم کردن مقدمات بهشت در دنیا
- ۹۳ * در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم
- ۹۵ ■ جلسه دوازدهم: دلسوزی مؤمن آل یاسین برای مردم
- ۹۶ * همزمانی شهادت و ورود به بهشت
- ۹۶ * سخن امام حسن علیه السلام هنگام شهادت
- ۹۸ * هلاکت مردم با غرّش آسمانی
- ۹۹ * تأثیر وعظ و اعطاب بر شخص گناهکار
- ۹۹ * تأثیر شکر و عهد آسمانی بر عمر بن عبدالعزیز
- ۱۰۰ * پاسخ امام سجاد علیه السلام به مزاحم بی ادب
- ۱۰۲ ■ جلسه سیزدهم: ندامت و تاسّف استهزاکنندگان پیامبران
- ۱۰۳ * عبرت گرفتن سلطان آواره از آزارکی
- ۱۰۷ * هلاکت برخی از پیشینیان
- ۱۰۹ ■ جلسه چهاردهم: حضور اجباری مردم نزد خداوند
- ۱۱۱ * زنده شدن زمین و نشانه قیامت
- ۱۱۱ * قدرت نمایی خداوند در زمین
- ۱۱۲ * رویاندن دانه نشانه معاد
- ۱۱۵ * نعمت پرستی یا منعم پرستی
- ۱۱۷ ■ جلسه پانزدهم: وجوب سپاسگزاری نعمتهای الهی
- ۱۱۸ * سپاسگزاری، وجه تمایز انسان با حیوان
- ۱۱۸ * همسر، نعمت خداوند
- ۱۱۹ * رفاقت سپاسگزار با حضرت داود علیه السلام در بهشت

- فهرست مطالب..... ۲۸۷
- * شکر مال، انفاق آن در راه خداست..... ۱۲۰
- جلسه شانزدهم: قدرت خداوند در خلقت ازواج..... ۱۲۲
- * عظمت شب و منافع آن..... ۱۲۴
- * حرکت خورشید به سوی جایگاه خود (ستاره وکا)..... ۱۲۵
- * جاذبه عمومی سبب حفظ کاینات..... ۱۲۶
- * حکمت تغییر ماه..... ۱۲۶
- * پیچیده شدن الم اکبر در وجود انسان..... ۱۲۷
- * روز روح نباد خمار شیش، غفلت است..... ۱۲۸
- * وجود حق و باطل در تمام انسانها..... ۱۲۹
- * لزوم پرهیز از شغل حرام..... ۱۲۹
- جلسه هفدهم: مستخر شدن در برابر انسانها..... ۱۳۰
- * شتر، کشتی صحرا و هواپیما هر دو مسکن خداوند..... ۱۳۱
- * بندگی کردن با بدن و مال..... ۱۳۱
- * لزوم جبران گناهان حال و گذشته..... ۱۳۲
- * روی گرداندن برخی از مردم از نشانه‌های خداوند..... ۱۳۳
- * توجیه ناروا..... ۱۳۴
- * مشیت تکوینی و تشریحی..... ۱۳۴
- * آزمایش ثروتمندان توسط فقرا..... ۱۳۵
- * سخنی جاودانه از مولا علی علیه السلام..... ۱۳۶
- * نمونه‌ای از انفاق امام حسن و امام رضا علیهما السلام..... ۱۳۷
- جلسه هجدهم: سخنان غیرمنطقی کفار..... ۱۳۸
- * صیحه آسمانی و گرفتن جانها..... ۱۳۹

- ۱۴۲ * لزوم راضی نمودن ذوی الحقوق
- ۱۴۲ * زنده شدن مردگان با نفخهٔ احیا
- ۱۴۳ * نکته‌ای دربارهٔ مرقد و برزخ
- ۱۴۴ * تفاوت قیامت با برزخ
- ۱۴۶ ■ جلسهٔ نوزدهم: برپا شدن قیامت پس از دو نفخه
- ۱۴۷ * ظهور عدل خداوند در محشر
- ۱۴۹ * سرگرمی به نعمتهای بهشت و بی‌خبری از دوزخ
- ۱۵۰ * هم‌سران بهشتی نعمتهای بزرگ الهی
- ۱۵۰ * نکاح در بهشت و بدآوری نعمت خداوند
- ۱۵۱ * ویژگی خوراک بهشتی
- ۱۵۲ * حور، مظهر رحمت رحمان و رحیم
- ۱۵۳ * حسن صد یوسف جمال درو الجلال
- ۱۵۴ * شرح صدر برای درک جمال
- ۱۵۵ * وصول به حوریان بهشتی پس از مرگ
- ۱۵۵ * سایهٔ لطف خدا بر سر بهشتیان
- ۱۵۷ ■ جلسهٔ بیستم: سلام خداوند بر مؤمنین
- ۱۵۹ * دو عیب بزرگ برای کاه زیبا
- ۱۶۰ * زهی افتخار از سلام خداوند به مؤمن
- ۱۶۱ * نامه‌ای از خداوند به سوی بندهٔ مؤمن
- ۱۶۲ * شادمانی حضرت فاطمه علیها السلام از شنیدن خبر مرگ خویش
- ۱۶۳ * جدا شدن گناهکاران در قیامت
- ۱۶۷ * حکایتی شگفت از علامه شیخ مهدی مازندرانی

- فهرست مطالب ۲۸۹
- * یاد مرگ و درمان غفلت ۱۶۷
- جلسه بیست و یکم: عهد بزرگ الهی از بندگان ۱۶۹
- * من ملک بودم و فردوس برین جایم بود ۱۷۱
- * علّت عداوت شیطان با انسان ۱۷۳
- * پاسخ شیطان به ندای بندگان ۱۷۴
- * سلاح نبرد با شیطان ۱۷۵
- جلسه بیست و دوم: عداوت دیرینه ابلیس با انسان ۱۷۷
- * حکایت شیعی و شخصی احمق ۱۷۸
- * هواهای نفسانی راهی برای غلبه شیطان بر انسان ۱۸۰
- * کیفیت هلاکت عبدالملک مروان ۱۸۱
- * راه تسلط بر شیطان ۱۸۲
- * فریب خوردن عابد از حيله‌های شیطانی ۱۸۴
- جلسه بیست و سوم: حضرت نوح علیه السلام و شنیدن بندهای شیطان .. ۱۸۸
- * رعایت تساوی بین مدعیان در محکمه ۱۸۹
- * پرهیز از وسوسه‌های شیطانی ۱۹۰
- * معامله‌ای با خداوند ۱۹۲
- جلسه بیست و چهارم: انسان بر سر دو راهی ۱۹۴
- * شیخ انصاری رحمته الله علیه و پاره کردن ریسمان ابلیس ۱۹۶
- * یاری گرفتن از نماز در دفع شیطان ۱۹۸
- * صبوری کردن بانوی چپر نشین در مرگ فرزند ۱۹۹
- * لزوم تشویق کودکان برای نماز ۲۰۱
- جلسه بیست و پنجم: تقاضای هدایت به سوی راه راست از خداوند ... ۲۰۲

- ۲۰۳ * ریاء و عجب، عوامل سقوط از طریق بندگی
- ۲۰۴ * فرو رفتن قارون و ثروت او در زمین
- ۲۰۵ * عبرتی نیکو برای انسانهای حریص و فرصت طلب
- ۲۱۰ ■ جلسه بیست و ششم: لزوم عبرت گرفتن از سرنوشت پیشینیان
- ۲۱۱ * مهار دوزخ در دستان ملائک
- ۲۱۲ * ولایت آل محمد امتیّت از فرع قیامت
- ۲۱۳ * نجات یافتن مؤمن گنهکار
- ۲۱۳ * بسته شدن دربان دروغگو
- ۲۱۵ * گواهان معتمد در محکمه عدل الهی
- ۲۱۶ * عدم گواهی گواهان برای تائب از گناه
- ۲۱۷ * کیفیت گواهی اعضاء جوارح
- ۲۱۸ * نطق، امتیازی برای بشر
- ۲۲۰ * سخنی از رسول خدا ﷺ پیرامون تسبیح خداوند
- ۲۲۱ * تسبیح خاص خاک کربلا، پاره‌ای از بهشت
- ۲۲۳ ■ جلسه بیست و هفتم: آفت ناینمایی و مسخ شدن مردم به اراده خداوند
- ۲۲۴ * تهدید کفار به عذاب قوم لوط
- ۲۲۵ * کور باد چشمی که تو را نبیند
- ۲۲۶ * مسخ شدن برخی از انسانها به صورت خوک و میمون
- ۲۲۷ * مسخ شدن عالم مال پرست
- ۲۲۹ ■ جلسه بیست و هشتم: مهلت دادن خداوند به تبهاران
- ۲۳۰ * سیر قهقرا برای کفار
- ۲۳۱ * عمر طولانی و بازگشت به حال نخستین

- فهرست مطالب ۲۹۱
- * بهره بردن از نعمت جوانی ۲۳۲
- * غنیمت شمردن پنج چیز قبل از پنج چیز ۲۳۳
- * قوت و ضعف انسان ۲۳۵
- * بروز ضعف در انسان ۲۳۶
- * سه درخواست شاهزاده از اسکندر ۲۳۷
- * لزوم تعقل از گذر عمر ۲۳۸
- جلسه بیست و نهم: کيفر کفار و مشرکين در سرپیچی از فرامین الهی ۲۳۹
- * حسین علیه السلام پستیهای پرسیده را باز می کند ۲۴۰
- * فرجام بی احترامی با نماز ۲۴۱
- * وجوب نهی کردن از روزه خواری ۲۴۲
- * پاداش احترام کردن به کهل سالان ۲۴۲
- * نیرومندتر شدن ملکات در کهنسالی ۲۴۳
- * ثبت عبادات جوانی در سنين کهنسالی ۲۴۵
- جلسه سی ام: تهمت های ناجوانمردانه به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ۲۴۶
- * انحراف حسان پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله ۲۴۹
- * حکایت جالب سید مرتضی و حسین بن حجاج (شاعر اهل بیت) ۲۵۰
- * قرآن یاد آور خدا و آخرت ۲۵۲
- * بهره مندی انسان از قرآن ۲۵۳
- جلسه سی و یکم: خلقت حیوانات برای خدمت به انسانها ۲۵۴
- * اغفال مردم توسط طاغوتها ۲۵۵
- * در هم شکستن قدرتها در برابر اراده خداوند ۲۵۶
- جلسه سی و دوم: لزوم توجه انسان به اصل آفرینش خویش ۲۵۸

قلب قرآن	۲۹۲
* لزوم تدبیر در آفرینش انسان	۲۵۹
* لزوم معاد	۲۵۹
* اسباب از بین بردن تکبر	۲۶۰
■ جلسه سی و سوم: لزوم بهره‌مندی از چشم عقل	۲۶۳
* آفرینش مجدد آسان‌تر از خلقت نخستین	۲۶۴
* قدرت خداوند در تولید آتش از درخت سبز	۲۶۵
* عظمت خداوند در آسمانها	۲۶۶
■ جلسه سی و چهارم: قضاوت کوتاه بینانه بشر	۲۶۷
* آفرینش آسمانها مهیتر از آفرینش انسانها	۲۶۸
* مراتب انسان	۲۷۰
* محشور شدن انسان با بدن مثالی	۲۷۱
* خالق و علیم بودن خداوند	۲۷۱
■ جلسه سی و پنجم: محدود بودن قدرت انسان	۲۷۳
* وجود اشیاء با اراده خداوند	۲۷۴
* عدم تدریج در کار خداوند	۲۷۵
* بهترین مژده برای مؤمن	۲۷۶
■ فهرست منابع و مآخذ	۲۷۸
■ فهرست مطالب	۲۸۲

پیشگامان در راه حق - جلد اول - فصل اول - آفرینش انسان

فصل اول - آفرینش انسان

فصل دوم - آفرینش آسمانها

فصل سوم - آفرینش زمین